

گلچینی از واژه‌ها وزبانزدهای دزفولی



گردآوری، نگارش، و ویرایش:
فواد مجدزاده عاملی

گلچینی از واژه‌ها و زبانزدهای دزفولی

گردآوری، نگارش، و ویرایش:
فواد مجدزاده عاملی

۱۳۹۹



- سرشناسه : مجدزاده عاملی، فواد، ۱۳۲۱-
عنوان و نام پدیدآور : گلچینی از واژه‌ها و زبانزدهای دزفولی / گردآوری، نگارش، و ویرایش: فواد مجدزاده عاملی؛ صاحب امتیاز: بنیاد متن‌پژوهی پارسیان، با همکاری مؤسسه فرهنگی خوزی‌شناسی.
- مشخصات نشر : تهران: میراث فرهیختگان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۲۲۹ ص.
شابک : 978-622-701379-5
- وضعیت فهرست‌نویسی : فیپا
موضوع : دزفولی -- واژه‌نامه‌ها
موضوع : Dezfuli dialect -- Dictionaries :
موضوع : زبان‌های ایرانی -- گویش‌ها
موضوع : Iranian languages -- Dialects :
- شناسه افزوده : بنیاد متن‌پژوهی پارسیان
شناسه افزوده : مؤسسه فرهنگی خوزی‌شناسی
رده‌بندی کنگره : PIR۳۲۸۶ :
رده‌بندی دیویی : ج۹ف۴
شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۵۷۳۹۱:



گلچینی از واژه‌ها و زبانزدهای دزفولی فواد مجدزاده عاملی

صاحب امتیاز: بنیاد متن‌پژوهی پارسیان
با همکاری: مؤسسه فرهنگی خوزی‌شناسی
طراح جلد: علی قنبریان (فیاض)
چاپخانه: ارمغان

ناشر: میراث فرهیختگان Miras Farhikhtegan Publications

چاپ اول / اردیبهشت ۱۳۹۹ شمسی / شمارگان: ۳۰۰ نسخه

قیمت: ۵۲۰۰۰ تومان

تمامی حقوق برای بنیاد متن‌پژوهی پارسیان محفوظ است

چاپ و توزیع:

آدرس: تهران، خیابان آزادی، خیابان شهیدان، برج پنجم، واحد ۳

تلفن: ۰۹۳۶۶۰۶۹۱۲۳

پست الکترونیک:

armaghan.tarikh@gmail.com

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۰۱۳-۷۹-۵



۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵
WWW.PARFARHIKHTEGAN.COM

به نام خداوندی که علم بیان آفرید

واژه‌نامه، لغت‌نامه، فرهنگ‌ها، قاموس واژگان، دایرةالمعارف‌ها، همگی واحدهای واژگانی را شرح و تفسیر می‌کنند و به آرایش واحدها، تلفظ، پیشینه، اطلاعات دستوری، معانی و تفکیک آن‌ها، تعریف، مثال، شاهد می‌پردازند.

در یکی دو قرن اخیر، فرهنگ واژه‌نویسی در خوزستان میان شهرهای شوشتر و دزفول رایج شده است. قدیم‌ترین لغت‌نامه خوزستان در اواخر عصر قاجار توسط عالم فاضل مشهور به جزایری شوشتری به رشته نگارش درآمده است که جزو مواهب و مفاخر استان به‌شمار می‌آید؛ بعد از آن می‌توان به قدیم‌ترین لغت‌نامه تخصصی سلطان‌علی سلطانی در بهبهان، که اواخر عصر قاجار، اوایل پهلوی اول، به تحریر درآمده اشاره کرد.

از سال ۱۳۹۶ تاکنون طی اتفاقی میمون و مبارک با حضور جمعی از فرهیختگان استان خوزستان طی چندین نشست علمی و هم‌اندیشی ضرورت و شالوده اولیه گردآوری، تدوین و تنظیم دایرةالمعارف بزرگ واژگان خوزی پیش آمد. ثمره این چند سال گردآوری بیش از سی‌وهشت جلد لغت‌نامه و بیش از پانزده مجلد ضرب‌المثل متعلق به شهرهای دزفول، شوشتر، بهبهان، رامهرمز و هندیجان بوده است که غالباً چاپ نشده‌اند! شناسایی و گردآوری این مجموعه‌های نفیس که یک سوم آن‌ها دست‌نویس بوده کاری آسان نبود، و ظاهراً مؤلفین و پژوهشگران به خاطر بضاعت مالی نتوانستند اثر فاخر خود را چاپ کنند. از جمله این کتب «فرهنگ ریشه‌یابی واژگان دزفولی» نوشته جناب آقای محمدرضا بساق‌زاده بود که هزینه آن را مؤسسه فرهنگی خوزی‌شناسی تأمین کرد که پس از طبع در اختیار علاقه‌مندان گذاشته است.^۱ همچنین در این میان می‌توان به تألیف لغت‌نامه گویش دزفولی نوشته مهندس فواد مجدزاده عاملی اشاره کرد.

لغت‌نامه‌ها دایرةالمعارفی غنی از معرفی اماکن، اشخاص، اشیا، معانی لغات، کاربرد کلمه، جایگاه واژه در یک جمله، شعر، ضرب‌المثل، سخنان نغز، ریشه‌یابی اصل کلمه، علل تغییر شکل لغات در تطور تاریخ اجتماعی ملل و... هستند^۲ که در بسیار موارد مشحون از اطلاعات

۱. عبدالامیر مقدم‌نیا و فریده آرامیده، کتاب‌شناسی مجموعه فرهنگ لغات خوزیان.

۲. همان.

جامع و ذی‌قیمت برای محققین به‌شمار می‌آیند. گنجینه‌ای سرشار از فرهنگ‌های خُرد و کلان متعلق به جامعه‌ای پویا، صاحب نبوغ، فکر و اندیشه است.

مؤسسه فرهنگی خوزی‌شناسی تا به حال موفق به شناسایی و جمع‌آوری چهارده لغت‌نامه چاپ نشده و هشت مجلد ضرب‌المثل آماده چاپ گردیده که در پاره‌ای موارد نسخه لغت‌نامه در چندین مجلد وزین به رشته نگارش درآمده اما به دلیل هزینه سنگین چاپ در نوبت نشر لحظه‌شماری می‌کنند تا در بازار کتاب در دسترس علاقه‌مندان قرار بگیرند.

مؤسسه «فرهنگی خوزی‌شناسی» برابر اهداف و برنامه‌های پیش‌بینی شده بر آن است تا با استعانت از خداوند متعال و کمک جمعی مردم فهیم و متدین این سامان مخصوصاً فرزندان فرهیخته خود شامل اساتید، پژوهشگران و ادبای فرهنگ بومی به تدوین بزرگ دایرةالمعارف لغات خوزیان مبادرت ورزد تا در گنجینه لغات فارسی باستان ثمری فرخنده برای نسل‌های آینده به ارمغان و دیعه گذاشته شود.

دکتر عبدالامیر مقدم‌نیا

مدیر مؤسسه فرهنگی خوزی‌شناسی

کلچینی از واژه‌ها و زیانزدهای دزفولی



A panoramic view of the Dez River taken from my father's house.

Photo by: Bahaeddin Majdzadeh Ameli, Fall 1961

گردآوری، نگارش و ویرایش: فواد مجدزاده عاملی

اسفند ۱۳۹۸

PREFACE

This is the very first dialectology of Dezful, which is being produced with Latin transcription for use by researchers and others who have a keen interest and love for Dezful.

This collection may not contain all idioms, allegories and words, but the selection contains the most widely and frequently used ones. This is why I have chosen to call the work “A Selection of Dezful’s Words, Terms and Idioms”.

The images printed in this publication are from very old times. The rise of Dezful city and the deployment of modern architecture have marginalized most of the sites and some had to be demolished to give way to bridges and roads.

Auther and edited by : Fuad Majdzadeh Ameli

February 2020



Konar Tree, Photo by: Fuad Majdzadeh. درخت کُنار (سیدر). نگاره از : فواد مجذزاده.

گلچین را با سروده زیبا، روان و ماندگار از "کتاب فرهنگ واژگان گویش دزفولی

" سروده همشهری گرامی آقای

" سید احمد صادق صمیمی " آغاز می کنم :

گوهری ماند زمیراث کیان

نغز و شیوا لهجه دزفولیان

نکته ناگفته دارد بی کران

غنچه نشکفته دارد بی شمار

بی مثال است آنچه آرد بر زبان

با اشارات و کنایات و مثل

نای سوکش میرسد تا عمق جان

گاه شادی چامه ها دارد لطیف

تارساند حال و افعال و زمان

واژه دارد بهره هر چیزی بجای

حق مطلب را ادا سازد عیان

با کلامی نافذ و لفظی غنی

می رود از خاطر نسل جوان

این چنین شایسته گنجی ای دریغ

پیشگفتار

سألهاست که دل در گروی دسترسی به واژه نامه ای علمی و جامع از گویش دزفولی داشته و بدین منظور به همشهریان صاحبنظر متوسل شده تا شاید زمینه های این خواسته فراهم گردد. اما جمع آوری و انتشار چنین واژه نامه ای نیازمند خاطری آسوده و کار گروهی است که شوربختانه زمینه به ثمر رسیدن این خواسته تا کنون فراهم نشده است. ظاهراً اندک دست اندرکاران و علاقمندان به تنهایی و برخی دیگر از روی تفنن و بطور گهگاهی و در فرصت هایی محدود در کنار کار اصلی خود بدان پرداخته اند. هر چند نوشته ها و کتابهایی از سوی پژوهشگران و علاقمندان در این زمینه انتشار یافته است، اما هنوز جای واژه نامه ای کامل و جامع در فرهنگ و ادب دزفول خالی است.

سالها پیش هنگامی که با اندیشمند فرهیخته "محمد محمدی ملایری" دیداری دست داد اهمیت پژوهش، جمع آوری و نگارش واژه های بومی ایران بسیار مورد تاکید ایشان قرار گرفت. بیاور روانشاد محمدی با جستجو و پژوهش در گویش های بومی ایران متوجه می شویم بسیاری از واژه های ایرانی بر اثر تعریب (عربی گردانیدن واژه های پارسی و پوشیده ماندن ریشه پارسی واژه ها) یا دگرگون شده یا بکلی تغییر

شکل داده و از یادها رفته‌اند. با پژوهش و ردیابی می‌توان بن و ریشه اینگونه واژه‌های اصیل بازمانده از گویش نیاکان را پیدا نمود و بابکارگیری آنها غنای بیشتری به زبان و ادبیات پارسی داد. پس از برآمدن اسلام و انتقال فرهنگ، آئین کشورداری، علوم و فنون و دیگر زمینه‌های ادبی و فرهنگی ایران به عربها موجب شد که دانش و فرهنگ اسلامی غنا و گسترش یابد. هر چند که در این دوران انتقال بسیاری از نام‌ها و واژه‌های ایرانی از تبار و جایگاه اصلی خود جدا شده و به اشکال گوناگون از جمله تعریب و ترجمه به صورت جزء جدایی‌ناپذیر از فرهنگ عرب درآمد، اما این تغییرات باعث نشد که همه واژه‌های بومی از بین رفته و یا دگرگون شوند. بسیاری از واژه‌های بومی ایران پس از گذشت هزاران سال همچنان دست نخورده در گویش‌های باشندگان این سرزمین باقی مانده و با وجود همه ناملایمات روزگار پابرجا و استوار در برابر زبان‌های بیگانه تا به امروز توانسته است بخش مهمی از هویت فرهنگی ایران و زبان پارسی را پاسداری نماید. بیاد داشته باشیم که در همین دوران انتقال، هویت ملی بسیاری از مردم کشورهای دور و نزدیک در برابر هجوم بیگانگان رنگ باخته و نه تنها زبان، بلکه هویت قومی و فرهنگ کهن گذشته خود را بکلی از دست داده‌اند. در اینجا است که اهمیت گویش‌های بومی ایران زمین در نگهداری و تاثیر تداوم آن در فرهنگ و زبان پارسی اهمیت می‌یابد. با تاکید بر نقش

و تاثیر گویش‌های بومی در پاسداری از فرهنگ ایران بر آن شدم که در حد توان و به سهم خود در کنار کار روزانه نگاهی نیز به فرهنگ سرزمین خود داشته باشم و به گردآوری واژه‌های دزفولی پردازم. حاصل این دلبستگی بصورت گلچینی از واژه‌ها، اصطلاحات و زیانزدهایی درآمده است که به همشهریان و علاقمندان پیشکش می‌شود. امید آنکه این گلچین خرد سرآغازی برای کاری اساسی‌تر که همانا فرهنگ جامع واژگان دزفولی است قرار گیرد.

بی‌مناسبت نمی‌دانم برخی نکته‌ها و خاطره‌ها که هنگام گردآوری واژه‌ها با مرور روزگاران گذشته در ذهنم نقش می‌بست را باز گو کنم. یاد و خاطره‌های دوران کودکی و نوجوانی از مردم مهربان و خونگرم دزفول و یادآوردی گشت و گذار در گوشه و کنار شهر همچون:

رود خروشان دز، کشتزارها، مراسم عروسی و عزاداری، محله‌های شهر و کوچه‌هایش، رویند و کتا بالارو *ruband va kathâ balâru*، سردر: *sardara*، باغ گازر *bây gâzer*، باغ گودول *bây gödul* کُرنوسی یون° *kornösiyun*، سوکی یون° *sökiyun*، سی‌پوشون° *siyapuşun*، لُگند° *löganda*، کتکتون° *katkatun*، مُدَمی یون° *moqadamiyun*، لُوری یون° *luriyun*

سَرِ مِدُونِ گِپُو کُچکَ: sarmēdune gapōkočka ، پولودی یون pulōdiyun ،
 مُرَشِدْبَكُون moršedbakun چُولِیون ° čuliyun بَنگِشْتِی یون bengeštiyun ،
 خَرَاتُون xarātun ، شِخ سِیَاعِلِ šexsemâ‘ēl qala: قَلْ ، بازار bâzâr ،
 پِیْرَنَزَرِ pîrnazar ، شَارُ کَن دِیْن ° šâroknadin ، دَرَوَازِ جُلْدوزُون °
 darvâzē jolduzun ، سَحْرَا بَدْرِ مَغْرِبِی sahrâbedare mayrebi ،
 مَرْدِی یُون (مَجْدِی یُون) ، maždiyun ، مَشْک دوزُون ° maškduzun ، عَلِی مَالِک
 ، کَلُونْتَرُون ° kaluntarun ، دَر بِنْد بَچِیلُون ° darbandbačilun ،
 بِنْدَارَا bendârâ ، سَای خُفْتُون ° sâyaxoftun ، نَحْمَد کُور aḥmadkur ،
 سَر بَتَاقَا sarbetâqâ ، دَر حَجَمَ وَ نُون ° darē ḥajmavanun ، خَرَمَن جَا
 ، xarmanjâ ، چَلَاکَ : čělâka ، مِیْرَزْکِی یُون ° mirzakiyun ،
 چِیْتَا نَاغَامِیْر čitâ, ayâmir ، سَعَبَاتَا s‘abâtâ زیر گذر کوچه ها ،
 مَارِ پِچِ مَحْمَد بِن جَحْفَر mârpeče maḥmad ben jaḥfar ،
 دِیْسُون جِی جِی مَلُون * disune jiji malun حَمُومِ گُرَبَّ ḥamom gorba (حمام
 ناظر) که بیاور برخی جن داشت ، و بسیار جاهای دیگر که ذهن را بدوردستهای زمان

برده و شیرینی خاطره‌های گذشته را در دل زنده میکند باید یاد کرد. اکنون که به سیمای شهر دزفول می‌نگرم نمی‌توانم اندوه و حسرت بی‌پایان خود را از تخریب بافت معماری سنتی و بناهای آجری زیبای آن که بدون تیر آهن و یا هر گونه فلز، تنها با چوب، گل و آجر و با استفاده از راهکارهای معماری بومی چون زَنگی یون^۱ (zangiyuna) و تَوِنَجْ (tevenja) بنا شده بود راکتمان کنم. چرا که ندانم کاری و تصمیمات سلیقه‌ای مابعدث دگرگونی‌ها و تخریب همه آنها شده است. بافت معماری سنتی دزفول با سردرهای آراسته به "خُوُون و فِرِیزَه" (xövun va feriz)^۲ از پاره‌های آجر، درهای چوبی زیبا، سنگ فرشهای پر نقش و نگار کوجه‌ها، زیرگذرها، شوادونها، دیوارهای گل‌پنجره دار سر بام‌خانه‌ها، در صورت توجه و نگهداری هم می‌توانست بخشی از شهر دزفول را همچون موزه‌ای پذیرای گردشگران ایرانی و بیگانه قرار دهد و هم نقشی زیبا از فرهنگ بومی را بنمایش بگذارد. نگاره‌هایی که سالها پیش توسط پدر ارجمند شادروان "بهاالدین مجدزاده عاملی" و گردآورنده گلچین در متن کتاب آورده شده است، ضمن مقایسه گوشه‌هایی کوچکی

از گذشته و حال، نشانگر تخریب و دگرگونی بافت کهن شهر دزفول میباشد. شوربختانه حمله‌های موشکی عراق طی سالهای ۱۳۶۷-۱۳۵۹ تخریب بافت کهن شهر دزفول را بیشتر کرد.

سالها پیش "آرثور اپهام پوپ" ایرانشناسی که عاشق فرهنگ و تمدن ایران بود طی سخنرانی در باره معماری ایران چنین گفت: "شما یکی از قدیمی‌ترین ملل روی زمین هستید و باید به کشور خود افتخار کنید، زیرا صنعت معماریش مورد تحسین و توجه عالم میباشد. مبادا که این میراث ارزشمند خود را فراموش کنید و از معماریهای پیش پا افتاده کیف و خارکف (اروپایی) تقلید کنید. بدون آرشیتکت خوب، نوع بشر از لحاظ معنوی بی‌خانمان خواهد بود." پوپ بر این باور بود که منزلی که در ده بیست سال گذشته ساخته شده اند به هیچ وجه از نظر اقتصادی و زیبایی شباهتی با منازل پیشین و سبک معماری آنها ندارد. "بدین سان ایرانیان را تشویق کرد که: "سبک معماری قدیم ایران را که والاترین سبک معماری است بیهوده از دست ندهید". ساختمانهای موزه ایران باستان، شهربانی، دادگستری و بانک ملی در تهران از نتایج سخنان و توصیه‌های پوپ* میباشد. سخنانی که شوربختانه در سالهای بعد دیگر به آن توجه نشد.

هنگام گردآوری برخی واژه‌ها بویژه واژه‌هایی که مربوط به کار و فعالیت اصناف و پیشه‌وران گذشته مردم دزفول بود این تصور بذهنم خطور کرد که ممکن است برخی از جوانان دزفولی که در جای جای دنیای امروز زندگی می‌کنند از نوع کار و فعالیت های نیاکان خود اطلاع چندانی نداشته باشند. بنابراین با نام بردن و یاد برخی از مشاغل و صنعتگران نسل‌های پیشین همچون :

نیل‌سازون° nilsâzun لووینون° luvinun جولہ‌رون° juleharun
 چوغابفون° çuyâbafun نم‌مالون° namadmâlun چاربفون° çârbafun
 کل‌مالون° kolamâlun خراتون° xarâtun شون‌تراشون° šunaterâšun
 مسکرون° meskarun دلورون° delvarun ناهنگرون° ahengarun
 پولودی‌یون° pulödiyün ورشوسازون° varšösâzun شمشیل‌گرون° šemšëlgarun
 باقلی‌یون° bâqeliyün رخت‌گرون° rextagarun مشک‌دوزون° maškduzun
 خیم‌کشون° xëmakašun گو‌کشون° gëvakašun مختار‌بندون° mextârbandun
 ارد‌یرون° ardayarun بُری‌ی‌چنون° boriyačenun بنگشتی‌یون°
 bengeštüyün و دیگر سازندگان و پیشه‌وران و تولیدکنندگانی که کار آنها بر اثر
 رشد دانش و تکنولوژی یا بکلی از بین رفته و یا دگرگون شده و برخی از ساخته‌های دست

آنها جنبه عتیقه پیدا کرده است بی‌مناسبت نباشد. ضمن گرامیداشت بسیاری از این فراموش شدگان روزگار بجاست بار دیگر یاد و نام آنها را بدین مناسبت زنده نگاه داریم.

پیش از پایان سخن بایسته میدانم که نخست از شکیبایی و همراهی همسر ارجمندم خانم سویل فهمی که فرصت و زمینه پژوهش را برایم فراهم کرد صمیمانه قدردانی و سپاسگزاری کنم. تهیه گلچین مرهون همدلی های ایشان در انجام این کار فرهنگی شد. در تهیه گلچین از برخی نوشته‌ها و کتابهایی که در برگ پایانی از آنها نام برده ام استفاده شده است. بویژه از آثار بجا مانده از استاد گرامی روانشاد "سید محمدعلی امام اهواری" بهره فراوان برده ام. نمی‌توان از فرهنگ دزفول سخن گفت و نام روانشاد امام را از یاد برد. چهره متبسم، گشاده و آرام ایشان همیشه راهنما و پاسخگوی شاگردان، علاقمندان و کاوشگران تاریخ و فرهنگ خوزستان بوده است. همچنین بر من بایسته است تا از مادر گرامی ام روانشاد "بی بی مشروطه مجد عاملی" که بسیاری از واژه‌ها و زبانزدها گلچین مدیون گفته های ایشان در دوران کودکی و نوجوانی من است یاد کنم. در تهیه گلچین از راهنمایی دیگر صاحب نظران بهره‌ها برده ام. از جمله از همفکری، راهنمایی و نکته سنجی خویش و دوست فرهیخته آقای "محمد رضا فاطمی دزفولی" که با دقت، صرف وقت و صمیمیت بسیار مرا همراهی نمود، سپاس فراوان دارم. آوانگاری و پاره ای از اصلاحات واژه نامه مدیون همت والا و راهنمایی های ایشان است. کارهای مربوط به

صفحه آرایی، یادداشت‌های حاشیه‌نگاره‌ها و جایگزینی آنها در متن گلچین و دیگر ریزه کاری‌های نوشتاری را مدیون همکاران گرامی خانمها "مریم انتظاری" و "مریم امیراصلانی" هستم که با حوصله و دقت از عهده آن برآمدند. همچنین از کمک دختر مهربانم "ایلناز مجدزاده عاملی" برای دیگر کارهای نرم افزاری سپاس فراوان دارم. براستی باید اعتراف کنم نخست تصور نمی‌کردم تهیه گلچین به این همه کند و کاو، زمان و دقت بویژه برای آوانگاری واژه‌ها نیاز داشته باشد. اما اینک که این کار کوچک پایان رسیده است و بدون اینکه قصد مقایسه گاه با کوه در میان باشد دریافتم که روانشادان دهخدا و معین برای تهیه گنج‌نامه‌های خود چه رنج طاقت فرسا و سترگی را متحمل شده‌اند. پایان سخن اینکه آرزو دارم جوانان و دانش‌آموختگان همشهری با پشتیبانی سازمانها و موسسات فرهنگی بتوانند با کار گروهی واژه‌نامه‌ای کامل و فراگیر از گویش دزفولی تدوین کنند. بیاد داشته باشیم برای این کار بزرگ نیاز به پژوهش و کاوش در شناخت واژه‌های مشترک دیگر استان‌های همجوار خوزستان بویژه هم‌میهنان لر و بختیاری که سهم بزرگی در زنده نگه داشتن زبان، آداب، سنت‌ها و فرهنگ ایران زمین داشته‌اند و دارند اهمیت بسیار دارد.

گرچه در گردآوری و تهیه گلچین از نظرها و نوشته‌های بسیاری بهره‌ها جسته‌ام اما مسئولیت هرگونه کاستی در باره "گلچین واژه‌ها، اصطلاحات و زیانزدهای دزفولی" که برای رعایت اختصار "گلچین واژه‌ها و زیانزدها دزفولی" نامیده شده است را بعهده می‌گیرم. پیشاپیش از دریافت پیشنهادها و نظرهای اصلاحی برای تکمیل و بهتر شدن گلچین سپاسگزارم.

فواد مجدزاده عاملی



سر در آجری کوچه اردوان دزفول- ۱۳۷۳ نگاره از فواد مجذاده

View of Entrance Brick Arch. Photo by: F.Majdzadeh

یادداشت‌ها و پاره‌ای توضیحات پیرامون برخی واژه‌های پیشگفتار:

زَنگی یون^۱ : zangiyuna : تاق مضاعف برای تقویت تاق اصلی در معماری کهن.

تَوَنج^۲ : tevenja : پیش آمدگی آجری بنا در طبقه بالا که در خارج از بنا نما

دارد و برای افزودن مساحت زیر بنا و کم کردن اثر یکنواختی دیوار بکار می‌رود.

خَوُون^۳ : xövun : تزیین نمای بالای سردر ورودی خانه با آجر.

فِرِیز^۴ : feriz : نقشی از آجرهای های تراشیده بر بالای دیوار درب ورودی

ساختمان.

* دیسونِ جی جی ملون^۵ : disune ji ji malun نام آموزگار و مکتبی واقع در سرمیدون

کُچک پُشتِ سوز قبا.

نیل سازون^۶ : در سده های گذشته کشت گیاه نیل برای ساخت رنگ نیلی در صنعت

رنگرزی دزفول متداول بود. حوضچه هایی برای رنگ آمیزی و شستوی پارچه ها و

الیاف در کنارهای رود دز وجود داشت. این نکته در کتاب "ایران، کلد و شوش"، خانم

ژان دیولافوا، هنگام مسافرت به دزفول و شوش و پس از مشاهده صنعت نیل سازی نوشته شده و به تصویر هم در آمده است.

لُووِنُون° : جمع واژه لُووین° بمعنی آسیابانان است.

جولِهَرُون° : بافندگان پارچه با دستگاه های چوبی دستی. (جولا ، جولِهَر = بافنده).

چوغا بَنُون° : بافندگان نوعی پوشاک مردانه شبیه عبا با دستگاه های چوبی دستی.

چارِبَنُون° : بافندگان چادر دستباف زنانه.

کَل مالون° : کلاه دوزها (کلاه های دست ساز).

نَمَد مالون° : نمد مال ها.

خَرَاتون° : کسانی که تراشکاری و ریزه کاری روی چوب انجام می دهند. محل این

کار در بازار قدیم دزفول را خراتون گویند. (جمع واژه عربی خراط).

شون تَرَشون° : سازندگان شانه های چوبی.

دِلَوْرُون° : جمع دِلَوْر به معنی نجاروسایل کشاورزی چون گاو آهن ، خرمنکوب جنگر و.... دِلَوْرُون درکارشگسته بندی دست و پا هم مهارت داشتند. ریشه واژه از دلیری ، دلاوری و بی باکی گرفته شده است.

فَاهِنْگَرُون° ، پُولُودِی یُون° ، وَرشوسازُون° ، مِسْکَرُون° ، شِمِشِلْ گَرُون° ، رِخْتْ گَرُون° : بترتیب صنعتگرانی را شامل میشود که بصورت دستی بکارهای آهنگری ، پولادگری ، ورشوسازی ، مسگری ، شمشیر سازی و ریخته گری اشتغال داشته اند.

مَشْک دوزُون° : دوزندگان و سازندگان مشک از پوست بز برای حمل و نگهداری آب و مایعات.

گِوْکَشُون° : دوزندگان تخت گیوه.

بُری یِ چِنُون° : حصیر بافان.

مِخْتار بِنْدُون° : الک سازان.

خِمْ گَشُون° : هیزم فروشان.

باقلی یون° : فروشندگان باقلای پخته.

فَرَدَ یَروَن° : کسانی که از کنجد روغن میکشند.

بَنگِشْتی یون° : شکارچیان و فروشندگان گنجشک پرکنده.

* سخنرانی آرتور ابهام پوپ ایران شناس نامی پیش از عکس برداری از مسجد

حیدریه قزوین د ۱۹۳۴ میلادی بر گرفته از مجله میراث ایران شماره تابستان ۱۳۷۸



The door leading into my father's house being opened by my uncle. (The site was demolished around 1973). Photo by: Fuad Majdzadeh Ameli, Winter 1971

سخنی پیرامون تاریخچه گویش‌های محلی خوزستان و آوانگاری

پژوهش درباره فرهنگ‌های بومی و محلی ایرانی کاری است شایسته و سترگ که در سالهای اخیر گامهایی برای انجام آن برداشته شده است. یکی از عناصر نخستین این فرهنگ که برای آن جنبه اصلی و مادری دارد، تحقیق درباره گویش‌های محلی است که ریزابه‌های رود خروشان و هستی بخش زبان عزیز و گرامی پارسی دری هستند. اگر بخواهیم بر غنای این میراث ارزشمند بینزاییم و آنرا در مقابل جریان ناخوشایند هجوم زبانهای بیگانه حفظ کنیم باید از شناخت شاخه‌های آن غافل نمائیم.

شوربختانه تا سد واندی سال پیش هیچکس در اندیشه جمع‌آوری و تتبع و به طریق اولی ضبط و تنظیم لهجه‌های فارسی نبوده و در کمال تاسف باید گفت که این کار به وسیله دانشمندان اروپایی شروع شده است.

نخستین بار ایرانشناس روسی **والنتین آلکسیویچ ژوکوفسکی V.A.Zhukovskii**

(۱۸۵۸-۱۹۱۸) در نیمه دوم قرن نوزدهم ضمن مسافرتی به ایران مطالعات پردامنه

ای در این زمینه انجام داد ولی توجهی به خوزستان ننمود. در سال ۱۹۰۶ پژوهشگری بنام

میلر Miller در سفری که از خرمشهر شروع نموده و برای پیوستن به هیئت باستان

شناسی فرانسه در شوش به شوشتر رسیده بود در آنجا با ملا حسن‌اک شاعر محلی

پر آوازه شوشتری ملاقات نمود. بعد ها در سال ۱۹۲۷ که میلر یادداشت‌های متعدد خود

رادر باره لهجه شوشتری تنظیم و منتشر نمود از شعر "دختر دنیای" ملا حسناک که به لهجه شوشتری سروده بود استفاده کرد و آنرا مبنای کار خود برای ریخت‌شناسی و آواشناسی این لهجه قرار داد. او این شعر را به روسی و فارسی ترجمه و در رساله خود چاپ کرد.

همچنین یکی از افسران سیاسی بریتانیا به نام دیوید لاکهارت رویرتسون لوریمر D.L.R. Lorimer که در اوایل سده بیستم سالیانی دراز را (از ۱۹۱۷ تا ۱۹۰۳) در خوزستان و جنوب ایران گذرانیده و در باره لهجه بختیاری و واژه‌شناسی و آواشناسی آن پژوهش‌هایی نموده بود با وجود رفت و آمدهایی که در دزفول داشته در آثار مکتوب خود اشاره‌ای به لهجه دزفولی ندارد. اولین کسی که در این زمینه با رعایت موازین علمی کار کرده و نتایج مطالعات خود را منتشر نموده است دانشمندی از پارسیان هند به نام جمشید جی اون والا است که چندین سال (بین سالهای ۱۹۴۰ تا ۱۹۳۰) عضو هیئت باستان‌شناسی فرانسه در شوش بوده و نتیجه تحقیقات خود را در سال ۱۹۵۵ در رساله‌ای تحت عنوان:

Contribution to modern Persian dialectology, the Luri and Dezfuli Dialects

در بمبئی به چاپ رسانیده است.

در این رساله واژه‌های دزفولی و لری و در بعضی موارد (لکی) با معادل‌های فارسی ذکر شده و در بسیاری موارد با زبان‌های پهلوی و اوستایی و بعضی از زبان‌های شبه قاره هند مقایسه شده‌اند. البته این کار همراه با عیب و نقص‌های فراوان انجام شده ولی چون **اون والا** در محل بوده و لهجه‌ها را مستقیماً از گویندگان آنها جمع‌آوری و رعایت ضوابط علمی را نموده نمی‌توان منکر ارزش زحمات او شد و باید به کار او ارج نهاد. پس از **اون والا** عده‌ای دیگر از علاقمندان در این زمینه کارهایی انجام داده‌اند ولی غالباً "کار را بطور جدی دنبال نکرده‌اند و حتی محل را هم ندیده‌اند. از تحقیقات ارزنده‌ای که در سال‌های اخیر (۱۹۷۴) در این زمینه انجام گرفته است کتابی است با نام :

**The phonology and morphology of Dezfuli and Shushtari
A study in West Persian Dialectology**

که تیزمولف آن Colin Ross Mackinnon برای اخذ درجه Ph.D از قسمت زبانها و ادبیات خاور نزدیک دانشگاه کالیفرنیا بوده است. ولی تنها کسی که در این زمینه به راستی زحمت کشیده و سراسر زندگی خود را وقف آن نمود دانشمند فقید روانشاد سید محمد علی امام بود و اکنون تنی چند از پویندگان این راه، از جمله تنظیم‌کننده گرامی این مجموعه پای در این راه نهاده و زحمت جمع‌آوری واژه‌های دزفولی و ضبط آنها را

بطریق علمی و صحیح بر خود هموار نموده اند. انجام اینکار در بادی امر بسیار سهل و ساده می‌نماید ولی ممرات‌ها و ظرافت‌های آن و پیچ و خم‌هایی که دارد انسان را به یاد این شعر حافظ می‌اندازد: ".... که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکلیها" و به راستی جز عشق و دلبستگی به فرهنگ سرزمین پدری چه چیزی می‌تواند انگیزه چنین کار دشواری باشد. یکی از مشکلات این کار ضبط واژه‌ها به خط فارسی است، زیرا خط فارسی پاسخگوی این نیاز نیست. حتی بکار بردن اعراب هم مشکل را حل نمی‌کند. خط لاتین نیز به تنهایی از عهده آن بر نمی‌آید. خوشبختانه کاری که "دفتر پژوهشهای فرهنگی" ضمن چاپ کتاب "چیستان نامه دزفولی" روانشاد امام انجام داد و از علائم آوانگاری بین‌المللی (خط لاتین و بعضی علائم خط یونانی) و نیز آوانگاری فارسی استفاده نمودند مشکل را تا اندازه‌ای رفع کرد. البته عادت نمودن به این علائم ابتدا کمی دشوار است ولی با اندک کوششی چشم به آنها آشنا می‌شود. برای آوانگاری در این مجموعه نیز از این روش استفاده شده است.

انجام این کار نکات تاریک بسیاری را برای ما آشکار می‌کند و می‌تواند نتایج نیکویی داشته باشد، مثلاً:

۱- در لهجه های بومی و از جمله دزفولی واژه های بسیاری هست که با معنای خاص خود در فارسی وجود ندارد. مانند: " پک pek (آب کم عمق) " ویا " تَنجِرِ tenjer " پَریدن خوراک در گلو و ورود آن به مجرای تنفسی بجای مجاری گوارشی.

۲- وجود واژه های اصیل فارسی فراموش شده در گویش دزفولی مانند: " میلازه ، میلازْ: melâza " (زبان کوچک یا شراع الحنک) که در کتب طبیبی قدیم مانند ذخیره خوارزمشاهی مورد استفاده قرار گرفته است. یا واژه وایه ، وایْ: vâya به معنی آرزو و هوس که در این شعر جامی دیده می شود:

ای که از طبع فرومایه خویش می زنی گام بی وایه خویش

۳- یافتن واژه های پارسی میانه مانند: " سیب (سِبْ sēb) " یا " شیر (شِر šēr) " با کمی تغییر مانند:

" پُل (پُولْ pöl) " ویا " باهنده (باهِندْ bāhenda:) " (در دزفولی به معنی پرنده) که در پارسی میانه " وایندکْ vāyendak " بوده یا " عَرَسْ ars " (در دزفولی و در پارسی میانه آرس) به معنی اشک هنوز با همان تلفظ اصلی در دزفولی وجود دارند.

۴- در زبان پارسی میانه واو و یاء مجهول به وفور یافت می شد ولی در زبان فارسی دری که امروز به آن سخن می گوئیم این تلفظ از بین رفته اما در دزفولی به فراوانی

یافت می‌شود. همچنین واو معدوله در تلفظ کلماتی مانند خور xwar و یا خوش^۵ xwaš که در دزفولی دیده می‌شود، در فارسی دری (شاید تا سده هفتم هجری) وجود داشته و امروز آنها را خور xor و خوش xoš تلفظ می‌کنیم.

۵- در لهجه دزفولی آواها و واژه‌هایی وجود دارد که مخصوص این لهجه (و شاید برخی دیگر از لهجه‌های جنوب غربی ایران) می‌باشند. مثلاً "تبدیل صوت â (آ) به خصوص وقتی که این صدا بین یک حرف و یاء اشباع شده قرار می‌گیرد و به ö (واو مجهول) مانند بازی به "بُوزی" bözi و قاضی به "قُوزی" qözi و آسیا به "ئوسی یو ösiyö", و در جمع به "ئوسی یووا ösiyövä", "آسیاها تبدیل می‌شوند. لغاتی مانند "گندیک" gendik (پاشنه پا) "پت" Pet (بینی) که نه در فارسی یافت می‌شوند و نه عربی و نه پارسی میانه. آیا این واژه‌ها بازماندگان زبان ایلامی یا خوزی کهن نیستند؟ این گمان وقتی قوت می‌گیرد که می‌بینیم لغت شناس و مورخانی مانند حمزه اصفهانی در کتاب "التبیه" و دانشمندی مانند ابن ندیم در کتاب الفهرست (هر دو در سده چهارم هجری می‌زیسته‌اند) معتقدند که زبان مردم خوزستان نه فارسی بوده و نه عربی بلکه زبانی بوده است به نام

خونی که یکی از پنج زبان رایج دربار پادشاهان ساسانی بوده و آنان در مواقع خاصی بدان سخن می‌گفتند. بنظر می‌رسد این موضوع برای یک تحقیق دانشگاهی مطلب جالبی است.

محمد رضا فاطمی دزفولی

نکاتی دیگر درباره آوانگاری گلچین:

هرچند تلاش شد که از همه نشانه‌های آوانگاری استفاده شود اما به سبب پاره‌ای اشکالات نگارشی نرم‌افزاری شوربختانه امکان بکارگیری نشانه‌ها در برخی واژه‌ها میسر نشد. از آن جمله استفاده از نشانه ساکن (o) در برخی واژه‌هاست. بنا بر این از بکارگیری این نشانه در پاره‌ای از واژه‌ها بدلیل چسبیدگی و یا فاصله افتادن بین حروف از یکدیگر (بجز در مواردی که امکان داشت) بطور ناخواسته چشم‌پوشی شد.